

تاریخ باستانی آذربایجان، با تاریخ قوم ماد در آمیخته است. قوم ماد، پس از مهاجرت به ایران به تدریج قسمت‌های غربی ایران، از جمله آذربایجان را تصرف کرد و در آن جا ساکن شد. بعد از تأسیس دولت ماد، سرزمین آذربایجان به ماد کوچک، در مقابل ماد بزرگ که شامل مناطق همدان، ری و اصفهان بود، معروف شد؛ ولایاتی که در قرون اولیه‌ی اسلامی به ناحیه‌ی جبال و بعدها به عراق عجم معروف بودند.

از سال ۲۰۵ هجری، یعنی زمان تأسیس حکومت طاهریان، تا سال ۴۲۹ هجری یعنی آغاز حکومت سلجوقیان، حکومت‌های محلی متعددی قدرت را در آذربایجان به دست گرفتند که آخرین آن‌ها «ساجیان» بودند. تصرف آذربایجان به دست شاه اسماعیل اول صفوی به سال

۹۰۷ هجری، تبریز را برای مدتی پایتخت ایران ساخت و آذربایجان به مرکز بزرگ نظامی تبدیل شد. مردم آذربایجان دوش به دوش سایر مردم ایران در جریان ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ شمسی، مبارزه‌ی بی‌امانی را علیه استعمار انگلیس آغاز کردند و سرانجام با پیروزی ملت ایران، سیاست استعماری انگلیس در ایران شکست خورد.

#### وجه تسمیه

آذربایجان، نامی پرآوازه در تاریخ ایران است. اسناد و منابع بسیار تاریخی و کهن، از سنگ نبشته‌های به جامانده، تا «اوستا» و «تورات» و کتاب‌های مورخان یونان باستان مانند هرودوت، گزنفون، استرابون و دیگر تاریخ‌نویسان و پژوهندگان، همگی بر این نکته اتفاق نظر

دارند که مردم ماد (آذربایجان) در تبار و هویت ملی و فرهنگی و تاریخی، زبان و دین، و عادات و رسوم، با دیگر اقوام ایرانی یگانه‌اند.

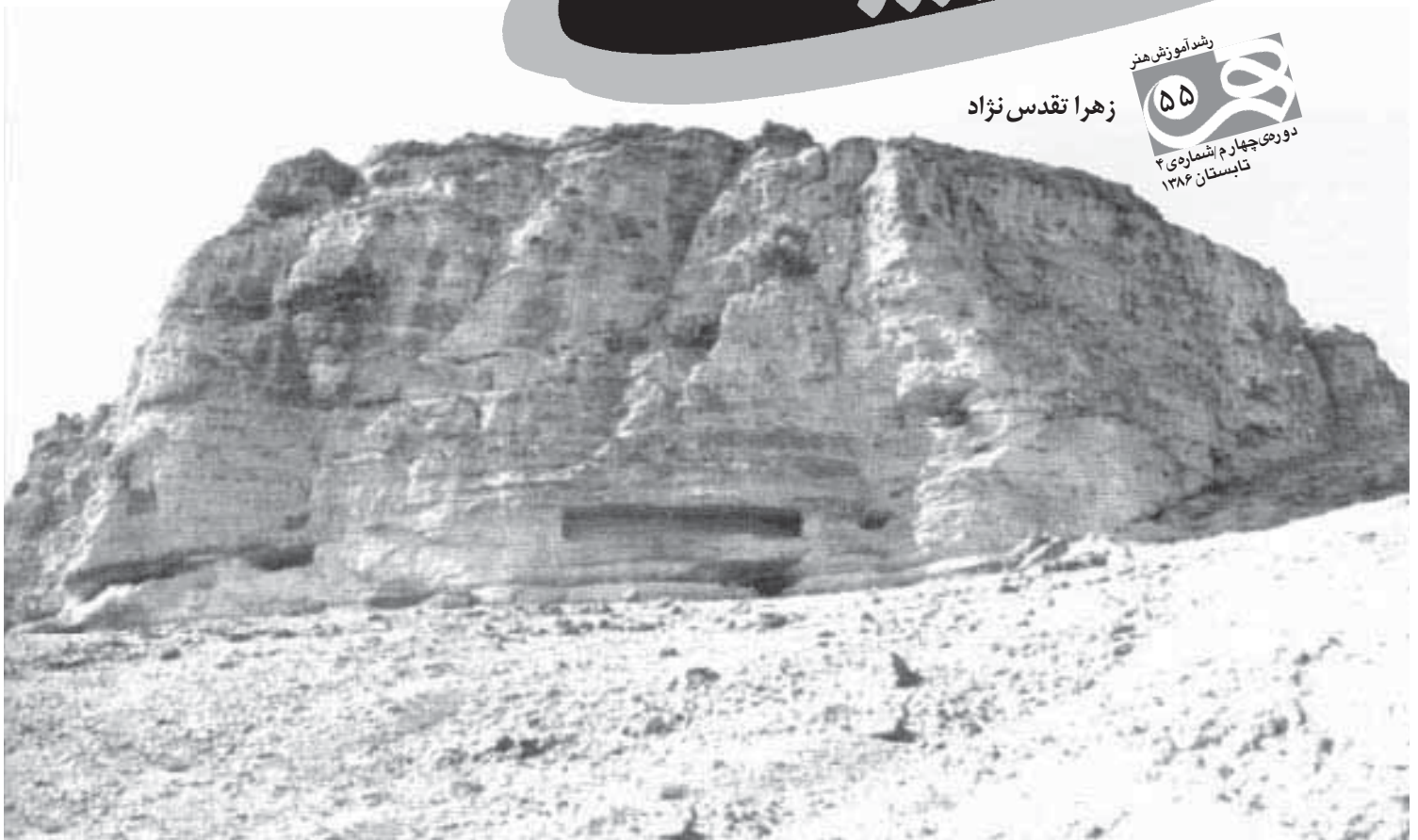
ریشه‌ی نام آذربایجان یا آتورپاتگان، از «آتروپاتن»، «آتروپاپ» و «آذریات» یعنی پاسدار آتش است. آذربایجان جایگاه بزرگ‌ترین و مقدس‌ترین آتش ایزد افروخته به نام «آذر گشسب» بود که در دو جای معروف قرار داشت: یکی در باکو و دیگری در شیز مراغه (تخت سلیمان) [عالم‌پور رجیبی، ۱۳۸۰: ۲۵ تا ۱۸].

#### صنایع دستی

استان آذربایجان شرقی یکی از کانون‌های صنایع دستی ایران محسوب می‌شود. انواع صنایع دستی این استان عبارت‌اند از: انواع فرش، قالیچه، جاجیم،

# آذربایجان شرقی

زهره تقدس نژاد



و بنا به ذوق و سلیقه‌ی بافندگان طراحی و بافته می‌شوند. معمولی‌ترین نقش‌ها عبارت‌اند از: طاووس، آهو، روباه، و قطار شتر که مربوط به حاشیه‌ی فرش‌هاست [همان، ص ۱۷۱-۱۷۲].

### موسیقی

در آذربایجان، موسیقی جزئی از فرهنگ زنده‌ی مردم محسوب می‌شود. در این میان، موسیقی مردمی شناخته شده‌ی «عاشیق‌لر» (عاشق‌ها) که باسرشت بومی مردم آذربایجان آمیخته است، جایگاه ویژه‌ای دارد. پیشینه‌ی این موسیقی کم‌وبیش روشن است و امروزه نیز در برگزاری مراسم و آیین‌های سنتی نقش فراموش‌ناشدنی دارد.

در گذشته، تا زمانی که به دوره‌ی اشکانیان باز می‌گردد، گروه‌هایی بودند که تاریخ فراز و نشیب‌های اجتماعی را در قالب سروده‌ها و داستان‌ها در بزم‌ها و گردهمایی‌ها برای مردم باز می‌خواندند. این افراد «گومان‌ها» و «خنیاگران» نامیده می‌شوند.

عاشق‌های معاصر آذربایجان، مالک گنجینه‌ی عظیم هنر و ادبیات تاریخی نیاکان خویش‌اند. آن‌ها سروده‌های استادانه و زیبای خود را با احساسی ناب و انسانی، و با حفظ امانت هنر عاشقی، در میان مردم رواج می‌دهند.

عاشق «ساز» می‌نوازد. ساز آلتی است شبیه تار، مرکب از نه سیم که بر سینه می‌نهند و می‌نوازند. نام قدیمی ساز «قویوز»، چیزی شبیه کمانچه‌های کنونی، بود. اغلب یک یا دو بالابانچی

ورنی، خورجین، گلیم، شال، گلیمچه، ظروف سفالی و سرامیک، اقسام سید حصیری و ترکه‌ای، پارچه‌های پشمی و ابریشمی، سوزن‌دوزی، نقره‌سازی، قلاب‌بافی، حوله و پتوبافی، مفرش‌بافی، مسند، و کفاشی و کفش‌دوزی.

**قالی‌بافی:** یکی از صنایع دستی مهم استان آذربایجان شرقی که فراورده‌های آن، از نظر صادرات اهمیت بسیار دارد و نیروی انسانی عظیمی را به خود اختصاص داده، قالی‌بافی است. این صنعت در سراسر استان به صورت کارگاهی (در مناطق شهری) و تک‌بافی (در نقاط روستایی) رواج دارد و هر ساله مقدار قابل توجهی از انواع قالی و قالیچه در طرح‌ها و نقش‌های متنوع و بافت‌های گوناگون، به بازارهای داخلی و خارجی عرضه می‌شوند [زنده‌دل، ۱۳۷۶: ۱۶۸].

**ورنی‌بافی:** ورنی، نوعی گلیم ریزباف فرش نماست که دارای بافت و طرح خاصی است و جز در استان آذربایجان شرقی، در کم‌تر منطقه‌ای از ایران بافته می‌شود. بافت ورنی بین اهالی اطراف «هر» متداول است و در سال‌های اخیر در بازارهای خارجی و داخلی کشور، مشتریان زیادی پیدا کرده است. اغلب زنان عشایر در بیلاق و قشلاق به ورنی‌بافی اشتغال دارند. روستاهای مولان، علی‌آباد، تازه‌کند، بال بیکلو، لاریجان، ناحیه‌ی هوراند از توابع کلیبر، در ردیف مراکز ورنی‌بافی هستند.

نقش‌هایی که به وسیله‌ی بافندگان روی ورنی تصویر می‌شوند، ذهنی هستند



قلعه ضحاک (عجب شیر) از نماهای مختلف





چون ابنیه اطراف مسجد علیشاه به سکونت قوای دولتی و انبار مهمات اختصاص داده شده، باقیمانده‌ی آثار مسجد هم به نام ارک معروف گشته است. در اوایل سلطنت **رضاشاه**، محوطه‌ی اطراف باقی مانده‌ی آثار مسجد، به باغ و گردشگاه تبدیل شده و در قسمت شرقی آن، سالن نمایشی ساخته شده است [دیباچ، ۱۳۴۵، ۶۹ و ۶۸].

### ربع رشیدی

علاوه بر آنچه که درباره‌ی اقدامات پادشاهان و امرای مغول گفتیم، وزرا و بزرگان دربار آنان هم ساختمان‌ها و تأسیساتی در این شهر بنا کرده بودند. **خواجه رشیدالدین**، مورخ و دانشمند معروف، در ناحیه «باغمیشه» تبریز و اطراف آن، بنایی ساخت که به «ربع رشیدی» یا «رشیدیه» شهرت یافت. این بنا در زیبایی و شکوه، از ساختمان‌های **غازان خان** دست کمی نداشت. ویلبر در کتابش در این باره می‌نویسد: «... رشیدی برای پیشرفت علم و صنعت، طرح‌های مفصلی در نظر داشت و قبل از سال ۷۰۱ هـ - ق برابر با ۱۳۰۰ میلادی، به احداث یک شهر دانشگاهی دست زد...» و باید گفت که این بهترین توصیف برای معرفی اقدام رشیدالدین فضل‌اله است که در کمال تأسف، امروزه از آن اثری باقی نمانده است. «وقف‌نامه‌ی رشیدالدین»، به نام «وقف‌نامه‌ی ربع رشیدی»، از آنچه که ربع رشیدی یا رشیدیه نامیده می‌شد،

(نوازنده بالابان) و قوالچی (دایره‌زن) عاشق را همراهی می‌کنند. گاهی نیز چند دسته عاشق یک‌جا ظاهر می‌شوند و هنرنمایی می‌کنند [عالم‌پور رجیبی، ۱۳۸۰: ۵۵ و ۵۴].

### ارک علیشاه

مسجد علیشاه، معروف به ارک که فعلاً هم آثاری از آن در تبریز باقی مانده، بنای باشکوهی بوده که به دستور و مراقبت **تاج‌الدین علیشاه**، وزیر **رشیدالدین فضل‌الله**، وزیر دیگر خان، در فاصله‌ی سال‌های ۷۱۶ تا ۷۳۶ هجری ساخته شده است.

مسجد سقف نداشته و بنای فعلی که اخیراً تغییراتی در آن داده شده، محراب مسجد بوده است با سه دیوار. دهنه‌ی طاق محراب ۳۸ قدم و ارتفاع آن از سطح کف محراب تا انتهای طاق در حدود ۲۶ متر است و به‌وسیله‌ی ۶۹ پله می‌توان بالای طاق رفت. بالای طاق، به قدر ۱/۷۰ متر، غلام‌گردشی ساخته شده است که دور آن ۹۷ قدم است. میان دیوارهای بالای محراب خالی بوده است و سه چهار مرتبه سقف‌ها و طاق‌های گچ و آجری زده و دیوارها را بالا برده‌اند و همه‌جا چوب‌های قطور کشیده و با میخ‌های آهنی استوار کرده‌اند. این بنا از ابنیه‌ی معتبر زیبایی بوده است که اغلب مسافران و جهانگردان، در سفرنامه‌ی خود به عظمت ساختمان آن اشاره کرده‌اند. در دوره‌ی زمامداری سلاطین قاجار،



تابلویی از صبر مصور، رنگ و روغن، موزه تبریز

رشد آموزش هنر  
۵۸  
دوره چهارم شماره ۴  
تابستان ۱۳۸۶



سر در موزه آذربایجان (تبریز)

سخن گفته که براساس آن، رشیدی تقریباً شهری بوده که در آن محلات و معابری احداث شده بود؛ مثل: کوی علما، کوی معالجان، کوی رومیان، صالحیه، گرجیان، زاهدان و... در این محل، دو مسجد، کتابخانه‌ای که آن را «دارا مصاحف» می‌گفتند و هزاران جلد کتاب داشت، تکاپایی برای درویش، مدارس برای تعلیم و تربیت با اتاق‌هایی برای اقامت ایتام و مستحقان، مسافرخانه یا «دارالضیافه»، و... بنا شده بود که موقوفات بسیاری هم در تبریز و سایر شهرها، مثل اصفهان، شیراز، مراغه، موصل در عراق و... داشته است که همه‌ی آن‌ها در وقف‌نامه‌ی رشیدی درج شده‌اند.

به علاوه، نامه‌ای هم از رشیدالدین خطاب به فرزندش باقی است که در آن از این تأسیسات صحبت کرده است و مژده‌ی اتمام آن‌ها را به فرزند می‌دهد. ... «ربع رشیدی که در زمان مفارقت آن فرزند عزیز مطرح انداخته و تهیه‌ی اسباب عمارت آن ساخته بودیم، اکنون به میامین قدوم علما و یمن همت فضلا به اتمام پیوست. بیست و چهار کاروانسرای رفیع و هزار و پانصد دکان و سی هزار خانه‌ی دلکش در آن بنا کرده‌ایم و حمامات خوش هوا و بساتین باصفا و جوانیت [انبارها] و طواحین [آسیاها] و کارخانه‌های شعربافی و کاغذسازی و دارالضرب و نگخانه [صباغ‌خانه] و غیره احداث و انشاء رفته ...»

با تمام این خدمات، متأسفانه براساس روال کار حکمرانان ناآگاه آن زمان، خواجه رشیدالدین بر اثر بدگویی همکارش تاج‌الدین علیشاه، بانی مسجد «ارک تبریز» و وزیر دیگر غازان‌خان، به‌دستور غازان در سال ۷۱۸ هـ - ق به‌قتل رسید و مطابق معمول که هرچه مربوط به حاکم معزول و یا مقتول است، باید از بین برود، آثار احداثی خواجه رشیدالدین هم چنان که گفتیم، نابود شدند [تابانی، ۱۳۷۹: ۱۱۳-۱۱۶].

### مسجد کبود (فیروزه‌ی اسلام)

بنای اصلی مسجد کبود تبریز، از انبیه‌ی زمان جهان‌شاه قره‌قویونلو و



قمقمه سفالی نخودی‌رنگ با نقوش برجسته. هزاره اول پ. م دوره اشکانی موزه تبریز

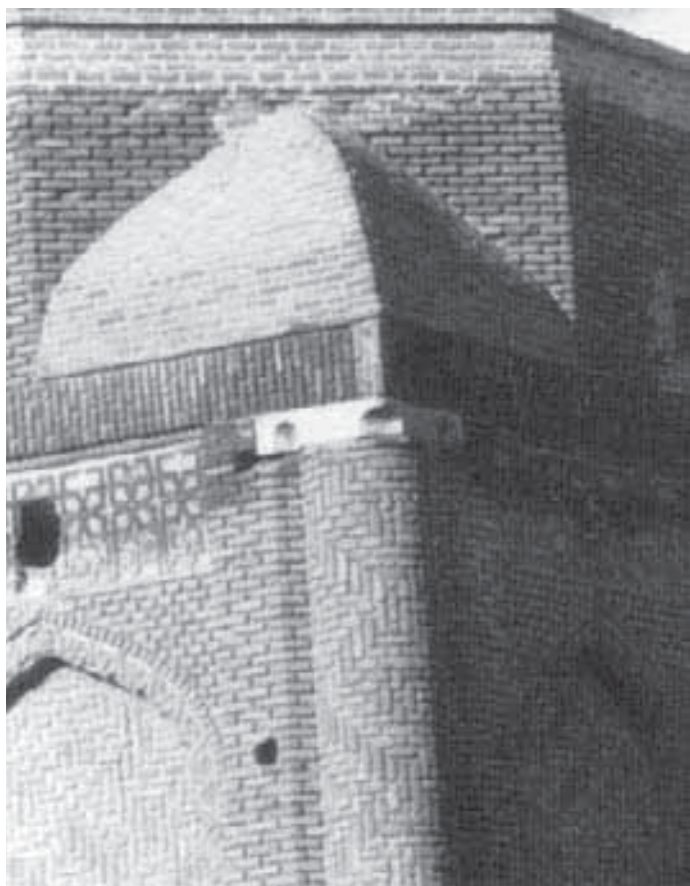


متعلق به نیمه‌ی دوم قرن نهم هجری، و بانی این بنا، **صالحه**، دختر جهانشاه است. از آثار باقیمانده‌ی آن، عظمت و شکوه مسجد دیرین روشن است. سر در اصلی مسجد نمونه‌ی ممتازی از تزئین کارشی‌کاری است. بر این سر در معرق، کتیبه‌ای به خط رقاغ در متن لاجوردی و زمینه‌ی سفید نصب شده که عالی‌ترین مظهر زیبایی و کمال معرق‌کاری دوره‌ی اسلامی به‌شمار می‌رود. از مفاد باقی‌مانده‌ی کتیبه معلوم می‌شود، مسجد در ماه ربیع‌الاول سال ۸۷۰ هجری ساخته شده است. ساختمان سر در و دو مناره‌ی آن، دارای رواق گنبدواری بوده است. این رواق به شبستان اصلی مسجد که در زیر گنبد قرار داشته، متصل می‌شده است. در طرفین رواق، شبستان‌های متعددی ساخته شده که هر کدام دارای طاق گنبدی شکل بوده‌اند. دیوارهای مسجد با روکشی از سنگ‌های مرمر شفاف و کاشی معرق نفیس تزئین یافته است [مسکوتی، ۱۳۴۹: ۷ و ۶].

با قتل میرزا جهانشاه در سال ۸۷۲ هجری در جنگ با **اوزون حسن**، سر دسته‌ی ترکمانان آق قویونلو (بایندری) در صحرای موش دیار بکر، کار تعمیر و توسعه‌ی بنا متوقف ماند. زلزله‌ی سال ۱۱۹۳ هـ. ق، تبریز را به شدت درهم کوبید و مسجد کبود هم با همه‌ی استحکاماتش از این واقعه سالم نماند. طبق اسناد و مدارک و تصاویر مستند موجود، از این بنای عظیم و نفیس، جز سردر و چند جزر و پایه‌های شبستان، سنگ مرمر و قطعاتی از کاشی‌های بدیع، چیزی باقی نماند و اغلب سنگ نوشته‌های نفیس مرمری و کاشی‌های زیبای آن هم در سال‌های پس از زلزله‌ی ۱۱۹۳، توسط مردم برای تزئین ساختمان‌های جدید به کار رفت. خوشبختانه در سال‌های اخیر این مسجد به نحو مطلوبی توسط متخصصان در حال بازسازی است و طرح بازیابی نقش و نگارهای داخلی مسجد در دست اجرا قرار دارد [عالم پوررجبی، ۱۳۸۰: ۷۴ و ۷۳].

#### موزه‌ی تبریز

ساختمان موزه‌ی تبریز با زیربنای سه هزار مترمربع، در سال ۱۳۳۶ ساخته شد و این موزه از سال ۱۳۴۱، رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. موزه از سه بخش



گنبد سرخ مراغه، دوره سلجوقی (۵۴۲هـ.ق)